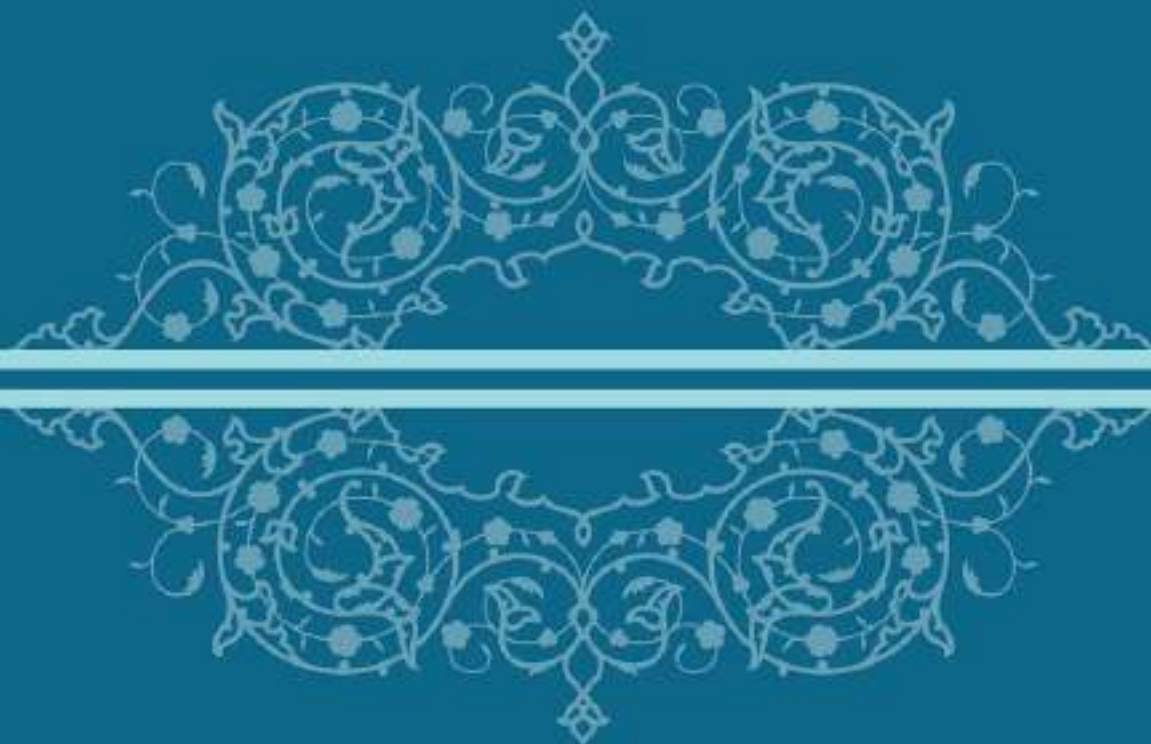




مجله الکترونیکی گوهر تندرستی



تابستان ۱۴۰۲





مجله الکترونیکی گوهر تندرستی- شماره ۳۶

تابستان ۱۴۰۲

- سردبیر و مدیر مسئول: کارن یحیائی
- طراحی و تدوین: مارال صمصامی
- اخبار و رویدادها: فاطمه شهاب الدین
- گفتگو: مارال صمصامی، رضا صالحی مهر، حبیبه سلطانی
- مطالب آموزشی: معاونت بهداشتی دانشگاه



سخن سردبیر



ابعاد مختلف سلامت جامعه، همانند ستون‌هایی است که بر اساس آنها ساختار جامعه‌ای سالم و پایدار بنا می‌شود. سیستم سلامت باید بتواند به تمامی اقشار جامعه خدمات مطلوب در زمینه بهداشت و درمان و همین‌طور آموزش پزشکی را ارائه دهد. یکی از چالش‌های اساسی در سیستم سلامت، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی است. برای دسترسی بهتر افراد جامعه به خدمات سلامت باید به تقویت بخش‌های پایه سلامت مانند بهداشت عمومی و پیشگیری اشاره

کرد که در این زمینه گسترش نظام ارجاع و پزشکی خانواده عاملی بسیار موثر خواهد بود. همچنین، توسعه فناوری‌های پزشکی و اطلاعاتی نیز می‌تواند دسترسی به خدمات سلامت را سهل‌تر کند. اهمیت حضور ایرانی‌جوان، سالم و توانمند در آینده پیگیری و توجه به موضوع جوانی جمعیت را اولویت می‌بخشد. در پایان، نباید فراموش کنیم که سلامت جامعه نه تنها وظیفه دولت و نهادهای بهداشتی است، بلکه مسئولیت تمامی اعضای جامعه نیز می‌باشد و توجه به آن و همکاری جامعه، برای سازندگی و پیشرفت ضروری می‌نماید.

کارن یحیائی

مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل دانشگاه

و مدیر اجرایی حوزه ریاست

فهرست

۱	سخن سردبیر
۳	برگزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری
۴	سخن استاندار
۵	سخن رئیس دانشگاه
۶	اخبار و رویدادها
۲۲	گفتگو
۴۷	مطالب آموزشی

Web: semums.ac.ir , Email: pr.semums@semums.ac.ir

Telegram: @semums , Instagram: @semums, Eitta: @semums1368, Rubika: @semums1368

Tel: 023-33448995

SMS: 30002316

آدرس: سمنان، بلوار بسیج، ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان، حوزه ریاست، مدیریت روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه

برگزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت



هفته‌ی دولت، در واقع، حلقه‌ی وصل یک فصل از عمر دولت به یک فصل دیگر است؛ یعنی شما در این هفته یک نگاه به سالی که گذشت دارید، یک نگاه [هم] به سالی که در پیش است دارید؛ میتوانید مقایسه کنید، میتوانید تجربه‌اندوزی کنید، عبرت‌آموزی کنید. اسم رمز دولتهای ما باید این باشد:

کسب رضای الهی و کار برای مردم؛ اصلاً باید هدف را در این دو جمله خلاصه کنیم. اگر رضای الهی هدف انسان شد، این در همه‌ی فعالیت‌های ما، در همه‌ی اقدام‌های ما، در نوع کارکرد ما اثر خواهد گذاشت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)

استاندار سمنان: نگاه و رویکرد به استان سمنان در تمامی حوزه ها باید نگاه کشوری

باشد



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور؛ سید محمد رضا هاشمی، استاندار سمنان روز پنج شنبه ۲۹ تیر ماه در جلسه شورای پدافند غیرعامل استان که در محل سالن جلسات یادگار امام(ره) استانداری و با حضور رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور برگزار شد، گفت: استان سمنان در کنار تمامی پتانسیل ها و ظرفیت های ارزشمند در حوزه های مختلف

فرهنگی، دینی، اجتماعی، عمرانی، اقتصادی، معدنی و غیره که از آن بهره می برد، با سه چالش جدی تصادفات، آب و جمعیت روبروست. وی افزود: استان سمنان صرفاً یک استان صنعتی و معدنی نیست، در حوزه های بسیاری از جمله معادن، دام و طیور، لبنیات و تخم مرغ و ... نقش تاثیرگذاری در بازار کشور دارد.

هاشمی بیان داشت: ما در استان سمنان بواسطه تردد حجم بالایی از مسافران و زائران امام هشتم(ع) و ارائه خدمات مطلوب، نیازمند تامین آب شرب پایدار هستیم. وی خاطر نشان کرد: تهدید ریزگردها یکی از مواردی است که باید از طریق طرح های آبخیزداری و آبخوانداری در سطح استان با آن مقابله شود.

استاندار سمنان گفت: بیش از ۶۵۰ کیلومتر ریل راه آهن در استان وجود دارد که به علت فرونشست زمین در مسیر ریل، نگرانی و تهدید جدی در این خصوص وجود دارد.

پیام رئیس دانشگاه به مناسبت هفته دفاع مقدس

بسمه تعالی



هشت سال دفاع مقدس ملت سلحشور ایران در برابر زورگویان جهان، برگ زرینی از حماسه ملتی است که همه ملت‌های آزاده جهان به آن افتخار می‌کنند. هفته دفاع مقدس یادآور ایثار و استقامت راد مردان و شیرزانی است که در لیبیک به فرمان امام و مقتدای خویش در دفاع از کیان آب و خاک نظام مقدس جمهوری اسلامی جانفشانی نموده و حماسه‌های ماندگاری را بر برگ‌های زرین انقلاب اسلامی ثبت کردند. دفاع مقدس از سویی زمینه ساز فرهنگ مقدسی شد که طریق اتصال به ملکوت را هموار کرد و یکی از ثمرات بزرگ دفاع مقدس، فرهنگ سازی است که بنیان

های ارزشمندی را در جامعه نهادینه ساخت و از سویی دیگر دفاع مقدس، اسلام را احیا کرد. بر همگان مسلم است که اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های داخلی و جهانی با تکیه بر ایثارگری‌ها و دلاوری‌های بزرگ مردانی حاصل شده که در طول هشت سال دفاع مقدس مخلصانه در صف مقدم جبهه‌های حق علیه باطل از هیچ گونه فداکاری دریغ نمودند و امروز نیز در هجمه دشمنان ناجوانمردی که غیرمستقیم و با اعمال تحریم‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی با ملت مظلوم ایران عناد می‌ورزند، چونان کوهی استوار پشتوانه محکمی برای ولایت فقیه و امت مسلمان محسوب می‌شوند. اینجانب ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس و تبریک این ایام به محضر فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای "مدظله تعالی" و ملت دلاور و رزمنده ایران اسلامی و همکاران ایثارگر دانشگاه، یاد و خاطره رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های رزمندگان، جانبازان و آزادگان هشت سال دفاع مقدس را گرامی داشته و از خداوند می‌خواهم ما را یاری کند تا در حفظ دستاوردهای ارزشمند انقلاب و نظام اسلامی کوشا و موفق باشیم.

دکتر کامران قدس

رئیس دانشگاه

اخبار و رویدادها



قدردانی استاندار سمنان از تلاش های دانشگاه در راستای کاهش و کنترل اعتیاد ۱۴۰۲/۰۴/۰۶



دکتر قدس رئیس دانشگاه در آئین افتتاحیه ارزیابی اعتباربخشی موسسه ای دانشگاه:
در این دانشگاه علاوه بر انجام ماموریت ها، نگاه ویژه به استانداردهای فرایندها داریم ۱۴۰۲/۰۴/۱۰



بازدید شبانه نماینده مردم شریف شهرستان های سمنان، سرخه و مهدی شهر در مجلس شورای اسلامی از بیمارستان ۱۵ خرداد مهدی شهر ۱۴۰۲/۰۴/۱۴



سفر دکتر قدس رئیس دانشگاه به شهرهای گرمسار و ایوانکی ۱۴۰۲/۰۴/۱۴



پائین تر بودن میانگین مرگ در بیمارستان های تحت پوشش
دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان از شاخص کشوری ۱۴۰۲/۰۴/۱۷



جشن دانش آموختگی ۹۲ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی استان
سمنان برگزار شد ۱۴۰۲/۰۴/۱۷



دکتر قدس رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان:
کسب رتبه بسیار عالی در برنامه جمعیت توسط دانشگاه علوم پزشکی
استان سمنان در بین دانشگاه های سراسر کشور ۱۴۰۲/۰۴/۱۹



تور رسانه ای و نشست خبری رئیس دانشگاه با اصحاب رسانه استان
سمنان برگزار شد ۱۴۰۲/۰۴/۲۱



انعقاد تفاهم نامه همکاری پژوهشی بین دانشگاه علوم پزشکی
استان سمنان و دانشگاه سمنان ۱۴۰۲/۰۴/۲۱



دیدار رئیس دانشگاه و نماینده مردم شهرستان های سمنان،
مهدیشهر و سرخه در مجلس شورای اسلامی با وزیر بهداشت
۱۴۰۲/۰۴/۲۱



اولین جلسه ستاد هماهنگی سلامت خانواده و نظام ارجاع استان
سمنان برگزار شد ۱۴۰۲/۰۴/۲۴



سرپرست معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان:

حدود ۵۰۰ خدمت جراحی قلب و آنژیوگرافی در ۳ ماه اول سال جاری در
بیمارستان کوثر سمنان ارائه شد ۱۴۰۲/۰۴/۲۵



۳۱ دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان
دانش آموخته شدند ۱۴۰۲/۰۴/۲۵



راه اندازی کلینیک فیزیوتراپی و بینایی سنجی در ایوان کی گرمسار
۱۴۰۲/۰۴/۲۷



دکتر قدس رئیس دانشگاه در نشست ستاد اقامه نماز دانشگاه بیان کرد:
نماز جماعت، روحیه همدلی را در بین کارکنان افزایش می دهد
۱۴۰۲/۰۴/۲۸



کارشناس فوریت های پزشکی دانشگاه، بام ایران را فتح کرد
۱۴۰۲/۰۴/۲۸



آغازیکار دفتر بین الملل دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان در گرجستان

فعالیت دفتر بین الملل دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان در گرجستان با مشارکت دانشگاه نیویورن آغاز شد ۱۴۰۲/۰۴/۲۸



از سرگیری عمل های جراحی دندانپزشکی تحت بیهوشی در مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی امیرالمومنین (ع) ۱۴۰۲/۰۴/۳۱



حضور رئیس دانشگاه در اردوی جهادی دانشجویان علوم پزشکی استان سمنان در روستاهای جنوبی گرمسار ۱۴۰۲/۰۵/۰۱



برپایی غرفه علوم پزشکی استان سمنان در نمایشگاه کشور عراق ۱۴۰۲/۰۵/۰۱



خبر خوش برای مردم شریف استان سمنان:

افزایش کیفیت و سرعت ارائه خدمات ایمپلنت دندانی در دانشکده
دندانپزشکی ۱۴۰۲/۰۵/۰۲



دیدار رئیس دانشگاه با نماینده معزز ولی فقیه در استان سمنان
۱۴۰۲/۰۵/۰۲



ارائه خدمت به ۷۰۹ بیمار در بخش اسکویی بیمارستان کوثر در چهار
ماه اول سال ۱۴۰۲ ۱۴۰۲/۰۵/۰۳



معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان:

اکنون به ازای هر ۲۰ پدر و مادر، ۱۳ فرزند در استان وجود دارد
۱۴۰۲/۰۵/۰۴



کوهنوردان علوم پزشکی استان سمنان پرچم یا حسین(ع) را بر بام
ایران برافراشتند ۱۴۰۲/۰۵/۰۶



کشف و توقیف بیش از ۴ تن از محصولات و مواد اولیه غیر بهداشتی
کارخانه تولید کننده ادویه جات و طعم دهنده غیر مجاز ۱۴۰۲/۰۵/۰۷



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان دامغان؛
نشست هم اندیشی و پرسش و پاسخ رئیس دانشگاه با پزشکان
بیمارستان ولایت ۱۴۰۲/۰۵/۱۱



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان دامغان؛
اعطای نشان مدافع سلامت به دکتر غلامرضا محمدی در آیین تکریم و
معارفه رئیس بیمارستان ولایت دامغان ۱۴۰۲/۰۵/۱۱



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان دامغان؛

رئیس دانشگاه دکتر احمد مسگر پور را یکی از ریشه های نظام

سلامت در استان سمنان دانست ۱۴۰۲/۰۵/۱۱



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان دامغان؛

نشست خبری رئیس دانشگاه با اصحاب محترم رسانه در شهرستان

دامغان برگزار شد ۱۴۰۲/۰۵/۱۱



بازدید رئیس دانشگاه از بیمارستان معتمدی گرمسار ۱۴۰۲/۰۵/۱۶



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان گرمسار؛

نشست هم اندیشی و پرسش و پاسخ رئیس دانشگاه با تنی چند از

همکاران و پزشکان بیمارستان معتمدی ۱۴۰۲/۰۵/۱۶



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان گرمسار؛

دیدار رئیس دانشگاه با دکتر سید جمال کیایی یکی از پزشکان با سابقه شهرستان گرمسار ۱۴۰۲/۰۵/۱۷



نشست خبری رئیس دانشگاه با اصحاب محترم رسانه در شهرستان

گرمسار برگزار شد ۱۴۰۲/۰۵/۱۷



به مناسبت روز خبرنگار انجام شد؛

دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان از پیگیری شکایت خود از یک

خبرنگار صرف نظر کرد ۱۴۰۲/۰۵/۱۷



جلسه ستاد حمایت از خانواده و جوانی جمعیت استان سمنان برگزار

شد ۱۴۰۲/۰۵/۲۲



[آیین بزرگداشت روز تشکل ها و مشارکت های اجتماعی در دانشگاه
برگزار شد ۱۴۰۲/۰۵/۲۴](#)

روایت تلاش ماندگار در بخش سلامت استان سمنان



[نگاهی به پروژه های عمرانی دانشگاه در دولت
سیزدهم ۱۴۰۲/۰۶/۰۳](#)

[نگاهی به حوزه تحقیقات و فناوری دانشگاه
در دولت سیزدهم ۱۴۰۲/۰۶/۰۴](#)

[نگاهی به حوزه درمان دانشگاه در دولت
سیزدهم ۱۴۰۲/۰۶/۰۵](#)

[نگاهی به حوزه زیرساخت های دانشگاه در
دولت سیزدهم ۱۴۰۲/۰۶/۰۶](#)



برپایی غرفه دانشگاه در نمایشگاه دستاوردهای دولت
سیزدهم ۱۴۰۲/۰۶/۰۴



خبر خوش رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان:
مجاز پذیرش دانشجوی ایرانی در دانشکده داروسازی دانشگاه
علوم پزشکی استان سمنان صادر شد. ۱۴۰۲/۰۶/۰۷



به مناسبت هفته دولت ۱۴۰۲
ساختمان شبکه و مرکز بهداشت شهرستان مهدیشهر کلنگ زنی
شد ۱۴۰۲/۰۶/۰۸



به همت دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان و اعضای ستاد بهداشت، درمان،
امداد و نجات ستاد اربعین استان سمنان؛
برپایی درمانگاه ستاد اربعین استان سمنان در کربلای معلی
۱۴۰۲/۰۶/۱۲



ثبت اختراع دستگاه هوشمند فشار خون توسط پژوهشگر دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان ۱۴۰۲/۰۶/۱۲



سرپرست معاونت درمان دانشگاه: موافقت با ۲۵ درخواست تاسیس مطب توسط علوم پزشکی استان سمنان در ۲ سال اخیر ۱۴۰۲/۰۶/۱۲



وضعیت بیماری حیوان گزیدگی و هاری تا پایان سال ۱۴۰۱ شهرستان دامغان ۱۴۰۲/۰۶/۱۳



دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان در انتظار ۵۱۲ دانشجوی جدید ۱۴۰۲/۰۶/۱۳



بخش وی آی پی بیمارستان ولایت در سال جاری به بهره برداری می

رسد ۱۴۰۲/۰۶/۱۴



کسب موفقیتی دیگر در دانشگاه

مواظقت با راه اندازی رشته فیزیوتراپی مقطع دکتری تخصص در

دانشگاه ۱۴۰۲/۰۶/۱۸



انتخاب دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به عنوان دستگاه

اجرایی برگزیده ستاد ساماندهی امور جوانان استان در سال ۱۴۰۱

۱۴۰۲/۰۶/۱۸



اخذ مجوز کارشناسی ارشد مدیریت توانبخشی بعنوان اولین

دانشگاه خارج از پایتخت توسط علوم پزشکی استان سمنان

۱۴۰۲/۰۶/۲۰



انجام ۱۵۶۳ ماموریت توسط تیم های عملیاتی اورژانس پیش
بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه در اربعین حسینی ۱۴۰۲
۱۴۰۲/۰۶/۲۱



علوم پزشکی استان سمنان به عنوان دانشگاه در مسیر رشد و توسعه
برگزیده شد ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



کسب امتیاز کامل در نظام اعتبار بخشی وزارت بهداشت توسط
دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان ۱۴۰۲/۰۶/۲۶



دیدار رئیس دانشگاه و کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت
حوادث دانشگاه با نماینده ولی فقیه در استان سمنان ۱۴۰۲/۰۶/۲۷



معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان:

شیوع سالک در شهرستان های تحت پوشش دانشگاه ۹۰ درصد
کاهش یافت ۱۴۰۲/۰۶/۲۷



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان دامغان

پایگاه جدید اورژانس جاده ای مهماندوست و ساختمان جدید پایگاه
اورژانس فرات دامغان افتتاح شد ۱۴۰۲/۰۶/۲۸



سفر رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به شهرستان دامغان؛

بهره برداری از ساختمان جدید مرکز جامع سلامت شهید حاجی دامغان
۱۴۰۲/۰۶/۲۸



دیدار رئیس دانشگاه و جمعی از مسئولان حوزه سلامت با امام جمعه
معزز دامغان ۱۴۰۲/۰۶/۲۸



نشست خبری رئیس دانشگاه با اصحاب رسانه استان به مناسبت هفته ملی اورژانس پیش بیمارستانی برگزار شد ۱۴۰۲/۰۶/۲۹



افتتاح پایگاه اورژانس پیش بیمارستانی ۱۱۵ شهری هفده شهریور شهرستان سمنان ۱۴۰۲/۰۶/۲۹



انجام اولین عمل جراحی ریه به روش جراحی کم تهاجمی ویدئو تراکوسکوپی در بیمارستان معتمدی ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

گفتگو:

رد سرخ ماسک



از خدمت به مردم خسته نمی شوم و این نعمتی است که خداوند به من عطا کرده است ۱۴۰۲/۰۴/۰۶

به گزارش روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان؛ از سلسله خاطرات تلخ و شیرین اعضای خانواده دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان در دوران مدیریت و مقابله با کرونا ویروس

که تحت عنوان رد سرخ ماسک در سایت این دانشگاه منتشر می شود، این بار خاطرات مژگان اعوانی، کارشناس پزشک خانواده در معاونت بهداشتی منتشر می شود. این مصاحبه در تاریخ ششم مهر ماه سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

خانم اعوانی عزیز لطفا خودتان را معرفی بفرمایید و از شروع کارتان در خانواده دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان بگویید:

بسم الله الرحمن الرحيم مژگان اعوانی هستم، کارشناس مامایی. بنده اوایل طرحم دو سال در معاونت بهداشتی واحد آموزش مشغول به کار بودم بعد به مدت هشت سال در محیط صنعتی یک کارخانه کار کردم. سپس در آزمون شرکت کردم و به صورت قراردادی وارد دانشگاه شدم. این را هم بگویم، همیشه یکی از آرزوهایم این بود که دوباره برگردم و در معاونت بهداشتی دانشگاه کار کنم. ابتدا به عنوان کارداران بهداشت خانواده در مراکز خدمات جامعه سلامت دانشگاه مشغول به کار شدم. بعد از چهار سال دوباره برگشتم به معاونت بهداشتی و در واحد گسترش شبکه های بهداشتی فعالیت را ادامه دادم.

از شروع بیماری کرونا بگویید، اولین باری که اخبار مربوط به شیوع کرونا را شنیدید و فعالیت هایی که در این دوره انجام دادید:

با شروع بیماری کرونا بنده انتخاب شدم که به عنوان یکی از اعضای در دبیرخانه ستاد کرونا مشغول به کار شوم. و در دبیرخانه با حضور آقای دکتر فریور فعالیت مان را آغاز کردیم. اولین باری که به اصطلاح متوجه شدیم کرونا وارد ایران شده است، جلسه ای داشتیم برای هر خانه یک پایگاه سلامت، در آن زمان بود که آقای دکتر جندقی مطرح کردند که بیماری کرونا وارد ایران شده و باید ما از همه لحاظ آمادگی مقابله را داشته باشیم و یک سری آموزش ها رو از همان جا برای ما شروع کردند. همه ما امید داشتیم که این بیماری گسترش پیدا نکند و در همان ابتدا با محدودیت هایی که ایجاد می کنند، کنترل شود ولی

متأسفانه خیلی زود و سریع‌تر از آن چیزی که فکر می‌کردیم این ویروس پخش شد نه تنها ایران بلکه کل جهان را درگیر کرد. این یک پاندمی بود که به اصطلاح درس‌های زیادی را حداقل به من نوعی آموخت. این که سلامتی یک مقوله لوکس نیست که فقط شامل حال ثروتمندان باشد چون همیشه ما این تصور را داشتیم که هر کسی که پولدار است می‌تواند به دنبال بهترین دارو و درمان برود ولی این پاندمی نشان داد که فقیر و ثروتمند و پیر و جوان رو نمی‌شناسد.

آیا از این دوران مدیریت و مقابله با کرونا خاطراتی دارید؟

بله خاطرات زیادی دارم. بیشتر این خاطرات تلخ بوده و امیدوارم که از این به بعد روال خوبی داشته باشد ولی کار که کار بود و هیچ موقع من از کار فراری نیستم یعنی هر طور که بتوانم خدمت می‌کنم و دوست دارم. با جان و دل هم کار می‌کنم، یعنی حتی اگر لازم هم باشد در هر زمانی آماده کار و خدمت رسانی هستم و در حد توانم اگر لیاقتش را داشته باشم انجام می‌دهم. اوایل شیوع کرونا خب من هم خیلی استرس داشتم و نگران پدر و مادر خودم بودم چون هم بیمار هستند و هم اینکه سن‌شان بالا است. نگران دیگر اعضای خانواده‌ام هم بودم. هر چیزی که می‌خواندم و یاد می‌گرفتم، آموزش هم می‌دادم چه به پدر و مادر خودم و چه به خواهرهای خودم و چه به فامیل‌های خودم یعنی حتی اگر شده تلفنی، یا از طریق شبکه‌های اجتماعی اطلاعات را در اختیارشان می‌گذاشتم و سعی می‌کردیم تا آنجایی که می‌شد دستورالعمل‌ها را رعایت کنیم. فقط برای کارهای ضروری بیرون می‌رویم و سعی می‌کنیم که در خانه بمانیم و دوست دارم مردم هم این حداقل پروتکل‌ها را رعایت کنند، تا بتوانیم این بیماری را کنترل کنیم. ما موج اول و دوم و سوم کرونا را پشت سر گذاشتیم، واقعا کادر درمان فشار زیادی را تحمل می‌کند که کار بسیار سختی است. هم استرسی که به پرستارهای محترم، کادر بیمارستان، بهکار که در بیمارستان تلاش می‌کنند، پزشک‌های محترم و بچه‌های کادر بهداشت هم همین‌طور واقعا زحمت می‌کشند، غربالگری مرحله اول و دوم و سوم، این‌که زنگ بزنند به تک‌تک خانواده‌ها سؤال کنند آیا شما علائم رو دارید، ندارید؟ واقعا کار سختی است. واقعا همکاران در مراکز بهداشتی با جان و دل کار می‌کنند و این که اصلا نمی‌دانند مراجعه‌کنندگان سالم هستند یا بیمار و یا ناقل ولی پذیرای آنها هستند و به وظایف خود به شایستگی عمل می‌کنند. این‌ها همه فشار و استرس‌هایی هست که به پرسنل بهداشت و درمان وارد می‌شود.

گفتید که در دبیرخانه ستاد کرونا فعالیت می‌کنید، چه چیزی باعث شد که این مسئولیت را قبول کنید؟

من از خدمت به مردم خسته نمی‌شوم و این نعمتی است که خداوند به من عطا کرده است. پیش می‌آمد که از منزل هم کار می‌کردم، صبح می‌آمدم اداره و تا هفت و هشت شب کار می‌کردم و دوست داشتم هرچه از دستم بر می‌آید انجام بدهم.

حتی خواهرم همیشه به من می گفت تو خسته نیستی؟ من هیچ موقع احساس خستگی نکردم مگر زمانی که آمار فوتی ها خیلی بالا می رفت. مثلاً یک روز یادم است که در آمار فوتی ها که اعلام کردند من واقعا نتوانستم خودم را کنترل کنم یعنی از بس ناراحت شده بودم شروع کردم به گریه کردن در صورتی که هیچ کدام از آن افراد را حتی نمی شناختم و آن خاطره هیچ موقع از ذهن من بیرون نمی رود. استرس این که با بیماری ناشناخته ای درگیر هستیم و واقعا هم نمی دانستیم که چه کاری را باید انجام بدهیم. مثلاً چه روال زندگی را باید داشته باشیم که دچار این بیماری نشویم. این شرایط برای مردم هم خیلی مشکل است. در نظر بگیرید یک بچه پنج، شش ساله را هفت ماه تمام از بازی کردن در محیط بیرون از منزل محروم کنیم. مخصوصاً الان که باید بچه ها در آپارتمان های کوچک محدود شوند و در خانه بمانند. بزرگ ترها هم همین طور آن هایی که مسجد می رفتند و در مراسم مذهبی شرکت می کردند یا این هایی که عزیزان شان را از دست می دهند و بدون اینکه کوچک ترین مراسمی برگزار کنند، مخصوصاً اگر کسی که فوت کرده مبتلا به کرونا بوده که تدفینش با یک شرایط خاصی انجام می شود. از جمله فشارهایی است که به مردم وارد می شود. یکی از همکاران بیمارستان کوثر دچار کرونا شده بود و آقای دکتر گوهری هر روز از وضعیت جسمانی این بنده خدا به آقای دکتر فریور می گفت و نگرانش بود. می گفت که حالش بد شده و نگران هستند که آخر هم ایشان به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. خود من هم شاهد این بودم یکی از اقوام ما بر اثر کرونا فوت کرد. تدفینی که صورت گرفت با حداقل افراد، بدون برگزاری هیچ مراسم عزاداری و شرایط طوری بود که حتی دختر آن خانم هم نتوانست در مراسم شرکت کند، چون خودش هم شرایط خاصی داشت و مریض و آلان با اینکه پنج، شش ماه از فوت مادرش گذشته است هنوز که هنوز یک احساس بدی دارد که نتوانسته در مراسم مادرش شرکت کند. خاطرات خوب هم زیاد دارم، اینکه از همون اول واحد ۴۰۳۰ ما فعال شده بود اینجا و اتاقش روی دیوار دیرخانه کرونا بود یکی از اعضای هیأت علمی دانشگاه به صورت افتخاری با ما کار می کرد. بعد دانشجویهای پزشکی، پرستاری به صورت دو شیفت، سه شیفت از هفت و نیم صبح تا یازده شب اینجا کار می کردند. یک روز دیدم که همکاران پیگیری می کنند که خادمین امام رضا علیه السلام به سمنان بیایند و پرچم متبرک امام رضا (ع) را پیش مریض ها ببرند که این یک خاطره خیلی خوبی بود. من شفای مادرم را همیشه مدیون امام رضا هستم. البته بیست و دو، سه سال پیش مادرم مریض شده بود. خواهر من دانشجو بود و در مشهد درس می خواند. می گفت یک روز رفتم حرم امام رضا و یک جعبه خرما گرفتم، رفتم حرم و ضریح را چسبیدم، امام رضا را قسم دادم که مادرم را شفا بدهد و از این بیماری نجاتش بدهد. یک آقای زنگ زده بود و داشت مطرح می کرد که پدر و مادر هر دو درگیر شده اند و این خانواده دو تا بچه کوچک دارند. حتی بچه شیرخواره دارند و خیلی نگران بچه ها بودند. من به آنها آموزش دادم، گفتم که حتی این بچه کوچک می تواند از شیر مادرش استفاده کند تا دیگر نگران غذای بچه نباشند. گفتم بچه ها رو می توانید از پدر و مادر جدا کنید ولی برای شیر دادن مشکلی وجود ندارد. مادر می تواند ماسک خودش رو

بزند و به بچه خودش شیر رو بدهد. این آقا دوباره تماس گرفت و گفتش که شکر خدا پدر و مادر هردو خوب شدند. تماس دیگری داشتیم که می گفتند یکی از آشناهایشان، اول مرتب مریض می شود، کرونا او را رها نمی کند. مدام او بعد من یک شرح حالی گرفتم و پرسیدم که آیا این خانم آیا بیماری زمینه ای دارند؟ که گفتند بله و سنش هم بالاست. بعد گفت که: «فرزندان و نوه هایش حدود بیست نفر می شوند، به دیدن این خانم می روند. این ها همه سالم هستند ولی این پیرزن همیشه بیمار است. خانم جان یک فکری بکنید کرونا یک بار، دو بار، چه جوریه؟» بعد من گفتم: آقای محترم این بیست نفری که پیش این بنده خدا می روند، باعث بیماری او می شوند. احتمالا یک یا چند نفرشان ناقل هستند، به ظاهر سالمند، به دیدن این خانم می روند و فاصله را هم مراعات نمی کنند، ماسک هم نمی زنند، آن پیرزن را همیشه مریض می کنند. گفت: «واقعاً مگه می شه اینطوری؟» گفتم بله این همه اطلاع رسانی می کنند که تجمع نکنید. حداقل اگر در یک خانه هم هستید، فاصله اجتماعی را رعایت کنید. یکی از آب میوه فروشی های سطح شهر، دستگاه ها و امکانات مغازه اش را در اختیار سپاه گذاشته بود و سپاه میوه را تهیه می کرد و در آن مغازه آب میوه ها را می گرفتند برای بیماران کرونایی، دو وعده برای تمام بیماران کرونایی تو بیمارستان کوثر آب میوه توزیع می شد. آب میوه های تازه یعنی روزانه این تهیه می شد و در اختیارشون قرار می گرفت که این هم یکی از خاطرات خوب من بود.

همکاری مردم و دیگر نهادها را با دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان چگونه می بینید؟

یک روز در اتاق دبیرخانه بودیم، دیدیم یک جوانی آمد و اسم و فامیلی خودش را گفت و به آقای دکتر فریور اعلام کرد که اولاً یک گروه جهادی با بچه های مهدی شهر تشکیل دادیم و ما حاضریم هر کاری که شما خواسته باشید، انجام بدهیم. بعد دکتر اسم و فامیل و شماره موبایلش را یادداشت کرد و گفت که به آن ها خبر می دهد. بعد از دو، سه روزی دیدیم این جوان دوباره آمد پیگیری کرد و دکتر فریور از او پرسید که: «شما شغلت چیه؟ کارت چیه؟» و جوان گفت: «من دانشجوی پزشکی همین دانشگاه سمنان هستم.» حتی این جوان گفت که او و گروه جهادی حاضرند که در کارخانه های تولید کننده اقلام حفاظت فردی مثل ماسک و غیره و یا تولید کنندگان مایعات ضد عفونی به عنوان کارگر کار کنند و از هیچ کاری دریغ ندارند. همکاری که ارتش، سپاه، هلال احمر، طلاب و روحانیون در این مدت قابل ستایش است. همچنین تلاش همکاران خودمان در دانشگاه که شبانه روز کار می کردند. مثلاً آقای دکتر گوهری صبح می رفت بیمارستان و بیماران را ویزیت می کرد، پذیرش می کرد. بعد بر میگشت به ستاد و با آقای دکتر دانائی جلسه داشت. چهار، پنج بعد از ظهر تازه ناهارش را می خورد و بقیه همکاران هم همین طور. در اسفند ماه سال نود و هشت که کرونا آمد تا نه شب همه همکاران در ستاد کار می کردند، بدون اینکه احساس خستگی کنند، بدون اینکه فکر کنند که از صبح ساعت هفت و نیم آمده اند سرکار و الان ساعت نه شب است!

شیوع بیماری کرونا برای شما چه درسی داشت؟

این پاندمی آخرین پاندمی نیست و تاریخ به ما نشان می دهد که طغیان های بیماری ها و پاندمی ها جزئی از زندگی بشر هست. ما باید خودمان را آماده کنیم برای پاندمی های بعدی و به مراتب آماده تر از الان و این که باید به آمریکا ثابت کنیم با این تحریم ها، با این فشارهایی که روی ایران می آورد، جوان های مملکت ما این قدرت را دارند که بر این فشارها غلبه کنند. انشاءالله روزی برسه که ما خودمان تمام دستگاه ها و تجهیزات پزشکی را تولید کنیم. همچنین داروهایی که نیاز داریم، نه تنها از تولیدات کشور خودمان استفاده کنیم، صادر کننده به خیلی از کشورهای جهان باشیم.

سخن پایانی...

فقط آرزویم این است که کلا کرونا از ایران و کل جهان نابود شود یا واکسنش زودتر تولید شود و همه مردم از این بیماری نجات پیدا کنند. به امید خدا. سپاسگزارم هم از زحمات و فعالیت های روابط عمومی و هم از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

مصاحبه کننده و ویرایش کننده: مارال مصصامی- کارشناس روابط عمومی دانشگاه

پیاده کننده: سکینه عبداللهی



گفت‌وگوی صمیمی با همکاران محترم دانشگاه

چاکر حسینی، خیرخواهی که برای نابینا هم چراغ روشن می‌کند! ۱۴۰۲/۰۴/۲۴



به مناسبت درگذشت مرحوم مغفور شادروان حاج محمد (رضا) چاکر الحسینی پیشکسوت حوزه رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان، گفت و گوی صمیمانه ای که روابط عمومی دانشگاه با این عزیز سفر کرده در سال گذشته انجام داده بود، بازتشر می شود. مدیریت روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان درگذشت مرحوم مغفور شادروان حاج محمد (رضا) چاکر الحسینی را تسلیت عرض نموده و برای خانواده محترمشان آرزوی سلامتی و صبر می نماید.

عرض سلام و ادب دارم، خواهش می‌کنم خودتان را معرفی بفرمایید.

با سلام به همکاران عزیزم، من چاکر حسینی هستم متولد ۱۲ مرداد ماه ۱۳۲۲ در سمنان. پدرم اهل یزد و مادرم سمنانی بودند. از آنجایی که کارخانه ریسمان ریزی سمنان نیاز به رنگ ریز داشت و رنگ ریزهای یزد هم مشهور بودند، صاحب کارخانه از پدرم خواست که به سمنان بیاید. پدرم به سمنان آمد و در همین شهر هم ازدواج کرد.

لطفاً از دوران کودکی و دوران مدرسه و دانش‌آموزی تان خاطراتی را بفرمایید.

کلاس اول تا ششم را در دبستان مهران نزدیک دروازه ارگ گذراندم و مدرسه ای بود که آقای کاشانی صاحب کارخانه ریسمان ریزی ساخته بود. برای دوره دبیرستان وارد یک دبیرستان دیگر شدم و تا کلاس نهم آنجا بودم ولی برای خواندن رشته طبیعی مدرسه ام را عوض کردم و به دبیرستان دهخدا رفتم و دیپلم گرفتم. در سال ۱۳۴۵ به خدمت سربازی رفتم. همین طور که در پادگان، معاینات پزشکی را در کنار دیگر سربازان طی می‌کردم، که به ما اطلاع دادند معاف شدیم و گفتند: «متولدین ۱۳۲۲ معاف شده اند و باید ۵۰۰ تومان پول بیاورید و معافیتان را بگیرید!» آن موقع مبلغ ۵۰۰ تومان زیاد بود و تهیه کردنش سخت! که این مبلغ را قرض گرفتم تا بتوانم برگه معافی را بگیرم. یک روز دبیر زبان انگلیسی ام «آقای بهرامی» را دیدم که به من محبت داشت و باهم دوست بودیم، ما دانش‌آموزان در ساعت مدرسه دانش آموز بودیم و بعد از این ساعت با دبیرانمان دوست و همراه بودیم، به معلمم گفتم که کاری برایم پیدا کند تا مشغول شوم. او با دکتر فامیلی، مدیرکل

بهداری وقت سمنان آشنایی داشت و قرار شد در مورد من با ایشان مشورت کند. روز بعد یک نفر آمد منزل ما و پیغام آورد که بیا! دکتر فامیلی با تو کار دارد! صبح که به دفتر دکتر فامیلی رفتم، به من یک معرفی نامه داد که بروم تهران دوره بیهوشی ببینم. دوباره رفتم که دبیرم را ببینم و به او گفتم: «من کار لازم دارم و در این موقعیت چطور به تهران بروم و دوره ببینم و هیچ آشنایی هم در تهران ندارم؟!». آقای بهرامی به من اطمینان داد که نگران چیزی نباشم و پیگیری درس و دوره ام را بکنم و به من پولی داد و گفت: «برو و نگران نباش و هر وقت گیر کردی به من خبر بده، من اینجا هستم.» همیشه طلب خیر و طول عمر با عزت برای این دبیر عزیزم می کنم، امروز توانایی او کم شده ولی بحمدلله در کنار ماست و همچنان با او تماس دارم. زمانی هم که حقوق بر شدم بلافاصله رفتم که بدهی او را پرداخت کنم ولی از من نگرفت و عصبانی شد و گفت: «برو!! مگر کسی پولی که به برادرش داده است را پس می گیرد؟!». بعد از شش ماه که دوره بیهوشی را می گذراندم، به من گفتند که چون دیپلم دارم نمی توانم دوره بیهوشی را بگذرانم و باید لیسانس بگیرم. آمدم سمنان با دکتر فامیلی مشورت کردم، او گفت که در سمنان رادیولوژی نداریم، برو و رادیولوژی بخوان! بعد برای آن شش ماهی که در کلاس رادیولوژی نبودم، استادانی را مشخص کردند که به من کمک کنند تا دروس را مطالعه کنم و بعد از ظهرها می رفتم مطب آنها و اشکالات درسی را می پرسیدم و بعد هم دوره های تجربی را گذراندم و به سمنان بازگشتم و استخدام اداره بهداشتی شدم با حقوق ماهی ۴۵۰ تومان. بعد از اینکه به سمنان آمدم، شروع به تهیه جای مناسب و سرب کوبی برای انجام امور رادیولوژی و خرید دستگاه کردند. فضایی که در نظر گرفته بودند اتاقی جلو بیمارستان تدین بود. بیمارستان تدین اولین بیمارستان سمنان بود که بخش عفونی و زایمان هم داشت و سالها قبل تاسیس شده بود و از دوران کودکی این بیمارستان را به یاد دارم. خلاصه بعد از اینکه دستگاه خریداری شد و آن را نصب کردیم، کار من هم شروع شد. رئیس وقت بیمارستان شهید معیری (شیر و خورشید سابق) به من پیشنهاد کرد که بعد از ظهرها هم در آن بیمارستان که یک دستگاه قدیمی رادیولوژی داشتند، همکاری کنم. که دکتر فامیلی به من گفتند که نباید به آنجا بروم که به او گفتم که بعد از ظهرها بیکار هستم و می خواهم مشغول کاری باشم و این که به اداره مربوط نمی شود. ولی قبول نکردند و گفتند باید بین این دو جا یکی را انتخاب کنم. من با پول بهداشتی درس خواندم و باید خدمتم را در بهداشتی انجام دهم، خانم دکتر که صبح در بیمارستان آزمایشگاه دارد و عصر هم در آزمایشگاه خصوصی خودش مشغول به کار است و اشکالی به او نمی گیرید ولی جلو فعالیت من را می گیرید که پدرم را از دست داده ام و می خواهم نان آور خانواده باشم! خلاصه موفق شدم که بعد از ظهرها به آن بیمارستان بروم و بیماران تصادفی و بیمارانی که نیاز به جراحی داشتند را به آن بیمارستان می بردند. بعدها این بیمارستان با بهداشتی ادغام شد که بیشتر بیماران بیمارستان شهید معیری (شیر و خورشید سابق) را مثل افرادی نیاز به عکس معده و... داشتند را به بیمارستان تدین می بردم تا از دستگاه جدید برای انجام رادیولوژی استفاده کنیم و شب ها هم آنکال بودم. حدود پانزده سال تنها بودم و به تنهایی

کارهای مربوط به تصویربرداری را انجام می دادم. دستگاه های آن زمان با دستگاه های فعلی تفاوت داشت. مثلاً یک والور داشتم که در تاریخخانه قرار داده بودم و فیلم هایی را که ظاهر می کردم با سنجاق به بندی که در اتاق نصب کرده بودم آویزان می کردم و با کمک والور خشک می کردم و به مردم می دادم. آن زمان خیلی کم می دیدیم که بگویند کسی سخته کرده یا قند و چربی بالایی دارد. یادم هست که بالای کارت ویزیت بعضی از بیماران می نوشتند ویزیت رایگان تا نیاز نباشد بیمار پولی بپردازد.

درچه سالی بازنشسته شدید؟ از زمان تاسیس دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان بگویید.

من سال ۱۳۷۷ بازنشسته شدم. زمانی که آقای دکتر خردمند رئیس دانشگاه بود، من مدیر عامل شرکت تعاونی دانشگاه علوم پزشکی سمنان بودم. زمانی که برای تجهیز دانشگاه که در جاده دامغان بود، وسیله ای لازم بود از شرکت تعاونی تهیه می شد. همکاران کارپرداز هم برای تهیه تجهیزات اول به شرکت تعاونی مراجعه می کردند و اگر امکان تهیه آن ملزومات از طریق شرکت تعاونی مقدور نبود، پایین درخواست را مهر می زدیم و می نوشتیم که از طریق شرکت تعاونی مقدور نمی باشد و خرید را از محل دیگری انجام می دادند. آن زمان شرکت تعاونی حدود ۶۵۰ نفر نیرو برای دانشگاه تامین کرده بود و شرکت تمام تلاشش را برای آموزش نیروها و تامین نیازهای آنها می کرد.

از خاطرات دورانی که در بیمارستان تاریخی تدین مشغول به خدمت بودید بفرمایید.

زمانی که آقای دکتر مشیری رئیس بیمارستان تدین بودند، رادیولوژی با تزریق در این بیمارستان آغاز شد و با اینکار می توانستیم عکس رنگی پزشکی برای بیماران تهیه کنیم. آمپولهای مخصوصی برای این تزریق بود که باید خیلی با احتیاط تزریق را انجام می دادیم، سخت بود و ممکن بود حساسیت زیادی را ایجاد کند. خوشبختانه من آنقدر با احتیاط این تزریق را برای بیماران انجام می دادم و حین تزریق با آنها صحبت می کردم تا آرامش داشته باشند که کسی دچار مشکل نشد. یکبار هم خانم مسنی را روی ویلچر از بخش به رادیولوژی آوردند که عکس از ریه او تهیه کنم. پیرزن التماس می کرد که کار او را زودتر انجام بدهم. به او می گفتم فرقی نمی کند که اینجا باشی یا داخل بخش ولی اول باید عکس نفر قبل را که روی تخت است تمام کنم بعد نوبت شما است! دوباره می گفتم: «نه کار من را زودتر انجام بده، من عجله دارم!» تصویر برداری مریض قبلی که تمام شد، نوبت پیرزن رسید و به او گفتم نفسش را چند ثانیه نگه دارد تا بتوانم عکس بگیرم. او هم گفت: «ننه جان! نفسم را نگه دارم که می میرم!» که گفتم: «خیلی طول نمی کشد همین بگویم نفس نکش بعد بلافاصلاً می گویم نفس بکش!» عکس رادیولوژی پیرزن را که گرفتم، سریع به تاریخخانه بردم تا عکس را ظاهر کنم که دیدم همکارم محکم به در

تاریکخانه می کوید و صدایم می کند که «بیا آقای چاکر حسینی! بیا!» من هم می گفتم که در حال ظاهر کردن عکس هستم و در را باز نکند که نور داخل تاریکخانه شود و بگوید چه شده است. ظاهراً حال پیرزن بد شده بود و بدو آمدم بیرون و پیرزن را روی تخت گذاشتم و به دکتر زنگ زدم. دکتر که آمد گفت که پیرزن فوت کرده است. گفتم: «من تا زمانی که به تاریکخانه بروم پیرزن صحبت می کرد و عجله داشت و التماس می کرد که زودتر عکسش را بگیرم، حالا چطور فوت کرده است؟» عکس پیرزن که ظاهر شد دیدیم که قلبش خیلی بزرگ شده و جای ریه را تنگ کرده بود و پیرزن بخاطر ایست قلبی از دنیا رفت. این یکی از خاطرات بد من در دوره فعالیتیم بود. خاطره دیگری که یادم آمد مربوط می شود به فرد نابینایی که برای عکس کولون مراجعه کرده بود. بعد از اینکه کار عکس این بیمار تمام شد کمکش کردم تا به سرویس بهداشتی برود و برایش چراغ روشن کردم! از آن روز به بعد همکاران می گفتند که «چاکر حسینی برای نابینا هم چراغ روشن می کند!»

خاطره دیگر من مربوط به مراسم گرامیداشت روز رادیولوژی است. همیشه مرا در این مراسم دعوت می کردند اما یکبار که به تالار بیمارستان امیر المومنین (ع)، دعوت شده بودم بدون هماهنگی قبلی از من خواستند که به عنوان پیشکسوت سخنرانی کنم. برای بار اول پشت تریبون قرار گرفتم، خیلی ها با سوادتر از من در سالن نشسته بودند و من دلهره داشتم ولی به صحبت‌هایم ادامه دادم و بعد سخنرانی، دوستانم تشویق کردند و گفتند که با وجود اینکه آمادگی قبلی نداشتم ولی خوب صحبت کردم! یکبار هم خاطراتم در روزنامه پیام چاپ شد. حالا الحمدلله رادیولوژی پیشرفت زیادی کرده است در حالی که در زمان گذشته ساختن داروی ظهور و ثبوت عکس کاری پر زحمت و سخت بود، امروز با امکانات جدید تصاویر بهتر و باکیفیت تری را داریم. از سی سال خدمتم، به مدت پانزده سال تنها کار می کردم و کسی که کار رادیولوژی انجام بدهد نبود و همیشه هم خودم آنکال بودم. یادم می آید که یک شب ۱۵ بار از بیمارستان فاطمیه دنبال من آمدند و مرا به بیمارستان بردند، چون آن زمان سونوگرافی نبود و در مواقع اضطراری از رادیولوژی برای تصویر برداری از وضعیت جنین در خانمهای باردار استفاده می کردند، و در آن شب تعداد مادرانی که برای زایمان مراجعه کرده بودند خیلی زیاد بود و هر بار که به منزل می رفتم، بعد از مدت کوتاهی دوباره آمبولانس جلوی در می آمد و به بیمارستان بر می گشتم تا عکس رادیولوژی بگیرم.

الحمدلله در مدت خدمتم کسی از من ناراضی نبود و خدا را بابت خاطرات خوبی که دارم شکر می کنم.

از روزهای اول شروع کارتان در بیمارستان بگویید.

در روزهای اول کار رادیولوژی مریض را انجام نمی دادم. دو سه ماه درگیر کار سرب کوبی ساختمان و نصب دستگاه بودیم. چون زمانی که من استخدام شدم، دستگاه بیمارستان تدین را آوردند. دستگاه قدیمی که در بیمارستان شهید مطهری (شیر

و خورشید سابق) وجود داشت فقط امکان تهیه تصویر از شکستگی دست و پا داشت و دستگاه جدید بیمارستان تدین خیلی پیشرفته تر از این دستگاه قدیمی بود. بعد که من آمدم عکس های کیسه صفرا، کلیه، معده، ریه و غیره را می شد با این دستگاه جدید تهیه کنیم. دکتر مشیری همیشه به من می گفت هرکاری را یاد بگیر و نگو در شرح وظایف من نیست و من هم همین کار را می کردم. برای همین شروع کردم اسکوپ را هم یاد بگیرم و این کار را انجام می دادم و پزشکان گزارش آن را تهیه می کردند. هنگام عکس برداری هم به لطف خدا دچار استرس نشده بودم. عکس معده یک بیماری را که می گرفتم، دیدم باریک یک خطی در تصویر معده از خود باقی گذاشته است. از همان قسمت چند عکس دیگر تهیه کردم، این تصاویر را که به تهران برده بودند، دقت و وضوح تصاویر باعث تعجب پزشک در تهران شده بود.

اولین بیماران خود را به یاد می آورید؟

تازه که شروع کرده بودم در حدود سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸، همزمان با رفتن حاجی ها به مکه بود که معاینه پزشکی داشتند و همه باید عکس ریه می گرفتند. اگر هم کسی مشکل کوچکی داشت، خواهش می کرد و می گفت: «نگذار که من از سفر به حج باز بمانم!» به همین خاطر در مورد این افراد با دکتر دانائی که پزشک بیمارستان بودند صحبت می کردم تا سلامت آنها را بررسی کند و این بندگان خدا بتوانند به سفر حج بروند. خیلی از افراد هم عکس ریه را برای پرونده استخدامی یا جواز کسب خود لازم داشتند که برایشان انجام می دادم.

زمانی که به تهران آمدید کجا درس خواندید و دوره دیدید؟

آموزشگاه فنی حرفه ای وزارت بهداشتی در خیابان بهار و ماهی ۲۰۰ تومان هم بما به عنوان حق الزحمه پرداخت می کردند. مبلغ شش ماه اول را که پرداخت نکرده بودند، بعدا یکجا پرداخت کردند که خیلی پول بود!

از همکاران دوره خدمتان چه کسانی را به یاد می آورید؟

همکاران زیادی داشتم ولی همکارانی که بعد از ۱۵ سال که در رادیولوژی تنها بودم، کم کم اضافه شدند، مثل آقایان معروف، حسین پیوندی، شاهی، بلند و اکبری و خانمها جهان، قنبری و سایر عزیزان آرزو می کنم شما جوانان عزیز سلامت باشید و خیر ببینید و به بازنشستگی برسید. پرستارانی در بیمارستان داشتیم که وقتی نزدیک بازنشستگی می شدند، گریه می کردند و می گفتند وقتی در بیمارستان خدمت می کنند، برایشان لذت بخش است و وقتی دست از این کار می کشیم ناراحتیم. خانم جلالیون شش ماه مانده بود که بازنشسته شود و هر روز گریه می کرد. پرستار دیگری داشتیم بنام خانم الویرا که پرستار CCU

بود و رسیدگی زیادی به بیماران می کرد و هنگامی که بیماران بهبود می یافتند و مرخص می شدند، خیلی خوشحال می شد و آنها را بدرقه می کرد و موقع بازنشستگی گریه می کرد. الان هم وقتی مرا می بیند از روزهای کار و خدمت به نیکی یاد می کند. هماهنگی و همدلی بسیاری بین همکاران بود.

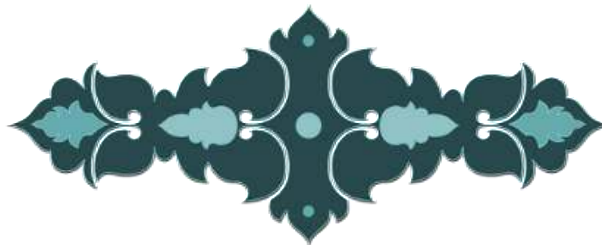
از اواخر دوران خدمتتان بگویید.

۸ سال آخر خدمتم مدیر بیمارستان امداد بودم. یک روز در کنار همکاران در حیاط ایستاده بودیم، هرکسی که می آمد به بنده لطف داشت و سلام و احوالپرسی می کرد. رئیس بیمارستان گفت: «این همه به شما گفتیم مدیریت بیمارستان را قبول کن، ناز می کردی! حالا این سلام سلام ها چیست؟» گفتم این سلامها زمانی درست است که پشت این نرده ها هم اتفاق بیفتد، در این صورت است که من کارم را درست انجام داده ام و لطف و محبت قلبی ایجاد کرده ام وگرنه خیلی از این سلامها بخاطر توقعی است که از من دارند! که تخت بیمارشان را عوض کنم یا جراحشان زودتر وقت بدهد و ... ولی الحمدلله مردم از فعالیتم راضی بودند و گاهی که مرا می بینند خاطرات خوبی را بازگو می کنند.

برای همه شما عزیزان آرزوی موفقیت دارم، زیر سایه مرتضی علی باشید!

از حضور جنابعالی برای این مصاحبه بسیار سپاسگزارم.

مصاحبه کننده مارال صمصامی



رد سرخ ماسک

مهندسی بهداشت محیط، کرونا، غسالخانه! روایتی ختم به مهریانی ۱۴۰۲/۰۵/۰۸



به گزارش روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان، از هر منظری که به دوره مقابله و مدیریت کرونا ویروس بنگریم، سراسر درس و تلاش و ایثار است. در ادامه سلسله مصاحبه هایی که در این دوران انجام شده است و تحت عنوان رد سرخ ماسک منتشر می شود، اینبار توجه شما را به گفتگو با علی مدرسی کارشناس مسئول سلامت محیط در شبکه بهداشت و درمان شهرستان دامغان جلب می کنیم. این مصاحبه در تاریخ ۳۰ تیرماه سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

لطفا خودتان را معرفی بفرمایید و در کدام حوزه به خدمت مشغول هستید؟

بسم الله الرحمن الرحيم علی مدرسی هستم کارشناس بهداشت محیط ستاد شبکه بهداشت و درمان شهرستان دامغان. من در بخش واحد مهندسی بهداشت محیط مشغول هستم و در پاندمی کووید ۱۹ که یک همه گیری جهانی بود، سیستم بهداشتی از همان ابتدا درگیر بود و در راستای ابلاغ هایی که وزارت بهداشت در راستای مداخلات محیطی، نظارت ها و پیگیری هایی باید انجام می شد صادر می کرد ما به صورت شبانه روزی حضور میدانی داشتیم و انجام وظیفه کردیم و از این بابت بنده بسیار خرسندم.

آقای مهندس از روزهای نخست کرونا و احساسات در روزهای آغازین بفرمائید؟

فکر می کنم از اوایل اسفند ۱۳۹۸ بود که این موضوع اعلام عمومی شد. البته خبرهایی پراکنده قبل از اون شنیده می شد ولی قابل استناد نبود تا زمانی که وزارت بهداشت بعنوان مرجع رسمی اعلام کرد و متعاقبا نامه ها و ابلاغ هایی ارسال شد که در راستای کنترل بیماری کرونا بود. من هم بعنوان یک شهروند و یک انسان احساس خطر می کردم. همه خانواده داریم و با توجه به مواردی که از بیماری کرونا شنیده بودیم و عوارض و اثراتی که داشت واقعا احساس خطر کردیم. در هر صورت بایستی توکل می کردیم به خدا و با رعایت پروتکل ها میزان ریسک ابتلا را کم می کردیم.

چطور و چگونه مسئولیتی در زمینه مبارزه با کرونا به شما محول شد و چه چیزی ذهن شما را در این راستا مشغول می کرد؟

من در ستاد شبکه مشغول هستم و بیشتر بحث هماهنگی و نظارت بر دفن اموات مبتلا به کرونا بوده که خب من خودم حضور مستقیم داشتم در هماهنگی ها و نظارت ها و مواردی وجود داشت که واقعا دردناک بود. دیدن این شرایط و خانواده ها و داغ دیدگان بسیار ناراحت کننده و دردآور بود. واقعا آرزو می کردیم که هر چه زودتر این ویروس منحوس رفع بشود و دیگر شاهد این مصیبت ها و رنج ها نباشیم. چه بسیار پدر و مادرهایی که فرزندان شان را از دست دادند، چه بسیار فرزندانی که یتیم شدند و داغدار پدر و مادرشان شدند و در مجموع بسیار دردآور بود.

اولین مواجهه شما با یک متوفی، با کرونا مثبت چه زمانی و کجا اتفاق افتاد و آیا در بین بیماران و اسامی متوفی به اسم آشنا یا بستگان بطور ناگهانی برخورد کردید و حس تان را در اون لحظه بفرمایید.

فکر می کنم اوایل اسفند، تاریخش را دقیقاً خاطرم نیست، بنده خدایی مرحوم شده بود و چون اولین تجربه ما بود و هنوز کار روی روال قرار نگرفته بود، سخت گذشت به ما. هم از جهت اینکه خانواده متوفی باید توجیه می شدند در خصوص رعایت پروتکل های بهداشتی و این برایشان قابل هضم نبود. به هر صورت آن ها هم داغدار بودند و یک عزیزی را از دست دادند. پروتکل ها باید رعایت می شد، عدم برگزاری مراسمات، این که بستگان درجه یک متوفی نتوانند در گذشته خود را ببینند ناراحت کننده بود ما باید با یک لحن و ادبیاتی موضوع رعایت پروتکل های بهداشتی را بیان می کردیم که پذیرفتنی باشد.

در ابتدای شیوع کرونا چون بایستی غسال ها توجیه می شدند که نحوه شستشو، گندزدایی و فرایندهای بعدی، ما خودمان در هر صورت حضور پیدا می کردیم و از نزدیک و به صورت عملی آموزش می دادیم. یعنی بنده و یکی از همکارانم لباس حفاظت فردی می پوشیدیم و به همراه غسال ها وارد غسالخانه می شدیم و آن مواردی که نیاز بود از جهت گندزدایی و نحوه کفن پیچ کردن میت و مراحل بعدی رو آموزش می دادیم.

وقتی ما خانواده متوفی را می دیدیم که التماس می کردند که از نزدیک در گذشته شان را ببینند که خب منع بهداشتی داشت و سلامت خودشان در معرض خطر بود. این یک تضادی ایجاد می کرد که باید آن را حل می کردیم. یکی از بستگان خود بنده هم در لیست متوفی بود. من واقعا شوکه شدم وقتی شنیدم، تا چند روز من بعنوان یکی از نزدیکان دچار فشار روحی شدید بودم و مطمئناً خانواده آن بنده خدا در ناراحتی شدید و شرایط روحی سخت تری قرار داشتند.

با توجه به این که نقش بنده بعنوان کارشناس بهداشت بود باید در تدفین حضور پیدا می کردم بخاطر کنترل پروتکل های بهداشتی و این ممکن بود منجر به سوء تفاهم هایی بشود. به هر صورت از بستگان بنده بودند و بنابراین این مورد را محول کردم به همکارانم و خودم نرفتم. ما بعنوان یک کارشناس در سیستم بهداشتی فارغ از احساسات که فکر می کنم در این قضیه بایستی در اولویت های بعدی قرار بگیرد، بحث اهمیت پروتکل های بهداشتی مطرح هست که برای حفظ سلامت بقیه عزیزان باید بر احساسات غلبه کنیم.

با دیدن همشهریان بیمار و نیاز آنها به کمک شما و در عین حال خطر انتقال بیماری به خود شما آن شرایط را چطور کنترل می کردید؟

با توجه به شرح وظایف ما که در بحث مداخلات محیطی فعال هستیم، ما با تمام توان و پتانسیل در اطلاع رسانی، آموزش، پیگیری و نظارت اقدام می کنیم. البته بعضا کم لطفی هایی می شود و در واقع به آموزش ها، دستورات بهداشتی عمل نمی کنند و این مایه دلسردی هست ولی با همه تفاسیر ما با تمام توان و تلاش در راستای شرح وظایف در میدان هستیم و هم چنان پیگیریم.

برخورد اعضای خانواده با شرایط کنونی پیش آمده و شرایط خاص شما چطور بود؟

خانواده هم احساس نگرانی و دغدغه داشتند با توجه به اینکه حالا ما در خط اول مبارزه کرونا هستیم، مخصوصا در بحث نظارت بر دفن اموات و موارد بازرسی هایی که داریم. البته ما هم این اطمینان خاطر را به آنها می دهیم که بایستی در راستای وظایف و آن مسئولیتی که قبول کرده ایم ایفای نقش کنیم و از طرف دیگر هم با کمال دقت و حساسیت پروتکل ها را رعایت می کنیم و خودمان را مصون نگه داریم. استفاده از ماسک و حفظ آن در فواصل استاندارد، بحث ضد عفونی دست ها و موارد دیگری که بایستی رعایت بشود. من نوعی هم بعنوان یک ناظر و بازرس اگر دچار مشکل بشوم در سیستم خلا ایجاد می شود، پس من باید خودم را محفوظ و مصون نگه دارم.

برخورد مردم در قبال فعالیتهایی که انجام می دهید چطور است؟

ما که در راستای وظایف این کارها را انجام می دهیم و هیچ توقع تشکر و تقدیر خاصی را نداریم. ولی مواردی بوده که مردم ما را مورد لطف خودشان قرار دادند. مثلا خواهر یکی از متوفی های مبتلا به کرونا، تماس گرفت و بخاطر انجام روند تدفین و ملاحظات بهداشتی کرونا و آموزش های مرتبط با آن از واحد بهداشت محیط قدردانی کرد.

آقای مهندس در شرایط پر استرس شیوع کرونا، برای حفظ روحیه خودتان و همکارانتان چه کاری می کردید؟

سعی بر این بوده که به نوعی تقسیم کار انجام بشود که فشار کاری بطور متناسب توزیع شود و اگر یک کارشناس بخواهد دو مرحله، سه مرحله مستمرا کار نظارت را انجام بدهد، از لحاظ روحی و روانی و چه بسا جسمی بسیار دچار خستگی شدید خواهد شد.

بچه‌ها اکثرا خودشان داوطلب می شدند که اگر یکی از همکاران امکان فعالیت نداشت، نفر دیگر بتواند آن فعالیت را پوشش بدهد و در بحث نظارت بحمدالله از این بابت مشکلی نداشتیم و در بحث ارتباطات معنوی من حقیقتا بدون اغراق باید عرض کنم که بسیار تاثیرگذار هست حالا اول این که ما این مواجهه ای که با متوفی و شرایط غسالخانه داریم واقعا تلنگر بزرگی برای همه ما است.

یک محاسبه نفس داشته باشیم و حساب اعمال خودمان را رسیدگی کنیم و بدانیم که آخر سرنوشت همه این خواهد بود. انصافا حالا فارغ از همه مشکلات و مسائلی که این کرونا در پی داشت برای خود بنده یک تلنگر بسیار بزرگ بود که من به خودم پیام و یک حساب کتاب دو، دو تا چهار تا در مورد اعمال خودم داشته باشم و واقعا هر جایی کم آوردیم دست به آسمان دراز کردیم و از خدا استمداد طلبیدیم از ائمه اطهار و اهل بیت و واقعا از لحاظ روحی در واقع یک شارژ بسیار قوی و موثری بود.

مردم چه سوال هایی از شما می پرسیدند؟

خب بستگان، دوستان و آشنایان مطلع بودند که من در سیستم بهداشتی حالا به نوعی مستقیما تو بحث نظارت حضور دارم، سؤال زیاد می پرسیدند ولی من با توجه این که حفظ اطلاعات سیستم یک اولویت و مهم هست و از طرفی هم نباید نگرانی و استرس به جامعه القا بشود.

بنابراین هر سؤالی که از من می سعی می کردم که شیوع کرونا ساده انگاری نشود و مردم پروتکل ها را رعایت کنند ولی از طرف دیگر هم طوری عنوان نمی شد که مردم دچار استرس بشوند.

آقای مهندس حضور مردم و سایر ارگان ها را در همکاری با خانواده دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان چطور دیدید؟

در واحد مهندسی بهداشت محیط چون بحث مداخلات محیطی یکی از مهم ترین موضوعات آن است، مثلا بازدید و نظارت از اماکن و مراکز تجمعی یک نمونه آن است. در مساله نظارت بر اماکن عمومی که خدمات به مردم ارائه می دهند، ما متاسفانه

مشکلات عدیده‌ای داشتیم. علیرغم پیگیری و آموزش ولی بعضی‌ها تمکین نمی‌کردند و پروتکل‌های بهداشتی را به درستی رعایت نمی‌کردند که سبب می‌شد سلامت شهروندان به مخاطره افتد و البته مطالبه مردمی هم بود.

ما در ابتدای اپیدمی کرونا ما شاهد بودیم که دوستان بسیج، با هماهنگی و نظارت بهداشت محیط بسیار خالصانه وارد میدان شدند و کار گندزدایی معابر و اماکن را انجام می‌دادند. یا در مورد تدفین که این انصافا نباید از قلم بیفتد ما شاهد حضور طلبه‌های جهادی هستیم هم در غسل و فرایند شستشوی و هم کفن و دفن مشارکت فعال داشتند و من به سهم خودم از این بزرگواران تقدیر می‌کنم.

آقای مهندس آیا فکر می‌کردید این بیماری تا به حال ادامه پیدا نکند و چه راهکاری برای کنترل آن به هم‌وطنان پیشنهاد می‌کنید؟

شاید برآوردهای اولیه این نبود که تا این زمان که من خدمت شما هستم درگیر موضوع کرونا باشیم. چون ویروس، ماهیت ناشناخته‌ای داشت و قابل پیش‌بینی نبود خوب ادامه پیدا کرد. اما باید هر کسی به سهم خودش پروتکل‌های بهداشتی رو رعایت کند، در اماکنی که ازدحام وجود دارد حضور پیدا نکنند. در حالی که ما شاهد هستیم گاهی مراسم‌هایی در منازل برگزار می‌شود و ما از لحاظ قانونی نمی‌توانیم نظارت و اعمال قانونی داشته باشیم و در حالی که خود شهروندان باید مقید به این موضوع باشند. مسافرت‌های غیر ضروری که کم و بیش در تعطیلی‌ها شاهدش هستیم. با این رفتارها سلامت خودمان را به مخاطره می‌اندازیم و عزیزان خودمان را در معرض خطر قرار می‌دهیم.

چه درس‌هایی از کرونا ویروس برای زندگی آموختید و مهم‌ترین تجربه شما در این مدت چی بود؟

حقیقتا یکی از مهم‌ترین درس‌ها این بود که دنیا این قدر ارزش ندارد که ما بخواهیم وابستگی داشته باشیم و خیلی از ارزش‌ها را زیر پا بگذاریم. با وجود این پدیده شوم و عظیم به اسم کرونا، متوجه شدیم بزرگ‌ترین چیز در این کره خاکی انسانیت است. بایستی قدر همدیگر را بدانیم، دست همدیگر را بگیریم و کمک کنیم. در غیر این‌صورت شاید در هر جایگاه و هر منصبی باشیم، با هر وضعیت مالی، نهایتا به مرگ ختم خواهد شد و جای حسرت است و هیچ بازگشتی در کار نیست. فقط مهربانی، مهربانی و مهربانی است که می‌ماند.

و سخن پایانی...

جا دارد که یادی داشته باشم از همکاران سیستم بهداشتی، و قدردان زحماتشان باشم. این عزیزان به صورت شبانه‌روزی حضور داشتند و دست تک تک همکاران گرامی را در شبکه‌های بهداشت و درمان که خط مقدم پیگیری بودند را می‌بوسم. درود بر شما. من تشکر می‌کنم از وقتی که در اختیار ما گذاشتید. همچنین از مدیریت روابط عمومی دانشگاه هم برای انجام این مصاحبه بسیار سپاسگزارم.

مصاحبه کننده: رضا صالحی مهر- مسئول دفتر مدیریت و نماینده روابط عمومی شبکه بهداشت شهرستان دامغان

پیاده کننده: سکینه عبداللهی

ویرایش کننده: مارال صمصامی - کارشناس روابط عمومی دانشگاه



گفت‌وگوی صمیمی با همکاران محترم دانشگاه

حضور خیرین و نیکوکاران همواره امید بخش بوده است



به مناسبت هفته گرامیداشت تشکل ها و مشارکت های مردمی مصاحبه با دکتر غلامرضا محمدی مدیرعامل موسسه خیریه بیمارستانی ولایت دامغان و یکی از اساتید برجسته دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان انجام شده است که به شرح زیر می باشد:

خدمت شما سلام عرض می کنم، لطفا خودتان را معرفی بفرمایید.

با سلام و احترام؛ بنده دکتر غلامرضا محمدی پزشک و متخصص بیماری های کودکان و نوزادان و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان و متولد سال ۱۳۴۲ هستم که در سال ۱۳۶۸ دوره پزشکی عمومی و در سال ۱۳۷۱ دوره تحصیل تخصصی را در دانشگاه علوم پزشکی تهران به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۷۲ به عنوان سرباز وظیفه و عضو هیات علمی در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان آغاز به کار کردم. در ادامه از سال ۱۳۷۴ در دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان خدمت سربازی و تعهدات خود را ادمه داده و از مهر ماه ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیات علمی به استخدام رسمی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان درآمدم و کماکان در دانشگاه مذکور مشغول به کار می باشم. در ایام خدمت علاوه بر انجام وظایف آموزشی و درمانی در دانشکده های پزشکی، پرستاری و بهداشت و بیمارستان حضرت علی اصغر (ع) زاهدان و دانشکده های پزشکی و بهداشت و بیمارستان های برادران رضایی، ۱۱ محرم و ولایت دامغان در علوم پزشکی استان سمنان، مسئولیت های اجرایی سرپرستی بیمارستان های برادران رضایی و ولایت دامغان، سرپرستی شبکه بهداشت و درمان دامغان و معاونت درمان دانشگاه را بر عهده داشتم و در حال حاضر نیز افتخار خدمت در هیات مدیره موسسه خیریه بیمارستان ولایت دامغان به عنوان مدیر عامل را دارم.

لطفا از تاسیس موسسه و حیطه های فعالیت این موسسه بفرمائید.

در راستای سیاست های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بر اساس اساسنامه ابلاغی، موسسه خیریه بیمارستان ولایت شهرستان دامغان از سال ۱۳۹۶ تاسیس و در حال فعالیت است. حیطه فعالیت موسسه در بیمارستان ولایت شهرستان دامغان است و بر اساس اساسنامه موسسه، جذب و ساماندهی کمک های خیرین در راستای تامین فضاهای فیزیکی، تجهیزات سرمایه ای، ملزومات مصرفی و هتلینگ مورد نیاز بیماران و تامین هزینه های درمان نیازمندان محور فعالیت موسسه است و در حال حاضر ریاست هیات مدیره موسسه بر عهده جناب آقای حاج محمد علی ترابی است (که خود از خیرین گرانقدر حوزه سلامت هستند) و اعضای هیات مدیره عبارتند از: آقایان محمد خطیب زاده، مصطفی امینیان، محمد تقی بنائیان، دکتر ابوالفضل فتاح، دکتر محسن دارابی و اینجانب بعنوان مدیر عامل. بازرسین موسسه: آقایان دکتر محمد عباسی و کمال الدین ناظمیان هستند. دبیر هیات مدیره و رابط با بیمارستان ولایت سرکار خانم حبیبه سلطانی (مددکار بیمارستان ولایت دامغان) و آقای محمد تقی پاشایی مدیر مالی موسسه هستند.

لطفا بفرمایید مددجویان تحت پوشش این موسسه چه کسانی هستند

همانطور که گفته شد عمده فعالیت موسسه هدایت و استفاده از کمک های خیرین در راستای تامین و تجهیز فضاهای فیزیکی، تجهیزات سرمایه ای و ملزومات مصرفی و اqlام هتلینگ مورد نیاز بیمارستان و بیماران می باشد و لذا تمامی مراجعان بیمارستان به نحوی از خدمات و کمک های خیرین بهره مند می شوند که به عنوان موارد شاخص می توان از اقامتگاه پزشکان و همراهان بیماران تحت نام منوچهری دامغانی که توسط خیر محترم آقای حاج محمد علی ترابی احداث شده و به طور مستمر برای گروه های هدف در حال بهره برداری است، خریداری دستگاه های ام آر آی، سی تی اسکن، سونوگرافی، سنجش تراکم استخوان، تست ورزش توسط خیر گرانقدر مرحوم آقای میرزا احمد طباطبایی، تغییر کاربری و بازسازی و تجهیز بخش اندوسکوپی بیمارستان (خانواده مرحوم عبیری) نام برد. به علاوه تعداد کثیری از بیماران مراجعه کننده به بیمارستان ولایت (سرپایی و بستری) از سایر تجهیزات سرمایه ای، دارو و ملزومات مصرفی و اqlام هتلینگ بهره بردند که در این حوزه به طور خاص می توان به کمک های خیرین در خصوص تامین دارو و ملزومات و اqlام حفاظتی بیماران و پرسنل بیمارستان در ایام اپیدمی بیماری کووید ۱۹ نام برد. همچنین موسسه در موارد متعددی هزینه های درمانی بیماران نیاز مند را نیز بعهده گرفته است.

خاطرات خود را با ما درمیان می گذارید؟

نکته شاخص در این بخش، خاطره خوش حضور و اعلام آمادگی و کمک های متعدد نودوستانه هموطنان و همشهریان در ایام شیوع بیماری کرونا است که ضمن تامین بخشی از نیازهای متعدد بیمارستان همواره انید بخش بوده و باعث ارتقاء روحیه و دلگرمی همکاران حوزه درمان در آن ایام سخت بود.

آشنایی حامیان با موسسه چگونه است؟

پس از تاسیس موسسه، مراتب با اطلاع رسانی عمومی در رسانه های سمعی و بصری (مجازی و مکتوب) اعلام گردید. همچنین در جلسات متعدد استانی و شهرستان و برگزاری همایش رسالت های موسسه تبیین و نیاز های بیمارستان در حوزه ارائه خدمات درمانی منعکس و از خیرین محترم برای جذب هرگونه کمک و در هر سطحی استمداد شد و کماکان استمرار دارد. مضافاً کلیه افرادی که تمایل خود به کمک در این حوزه اعلام میدارند از جانب مدیریت و پرسنل بیمارستان و سایر افراد و نهادهای عمومی شهرستان به دفتر موسسه در بیمارستان ولایت هدایت می شوند.

چالش ها خدمت موسسه های خیریه سلامت محور

تامین نیازها و زیر ساخت های حوزه سلامت بایستی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه در این خصوص علی‌رغم تلاش های بعمل آمده و زیر ساخت های فراهم شده از جانب بخش دولتی و خیرین، عقب ماندگی های زیادی داریم که امیدواریم رفع آن ها در اولویت قرار گیرد. بزرگترین چالش موسسات خیریه حوزه سلامت، نیازها و درخواست های متعدد مراکز درمانی و بیماران و از طرفی هزینه های زیاد درمانی است که متناسب با ظرفیت های موجود نیست و لذا در موارد زیادی امکان تامین نیازها فراهم نیست. چالش دیگر، موانع رعایت اولویت ها در موضوع هدایت کمک های خیرین است. لازم است در این خصوص حوزه های مختلف از جهت گیری های خاص پرهیز نموده و با صدای واحدی خیرین به سمت نیازهای با اولویت هدایت شوند. نکته دیگر نگاه عمومی به وظایف و تکالیف بخش دولتی در این حوزه است. لذا از طرفی بایستی در برنامه های کلان، تخصیص منابع دولتی به این بخش ارتقاء یابد و از طرفی با اطلاع رسانی عمومی در خصوص محدودیت منابع، جهت افزایش اعتماد عمومی اقدام شود. رعایت بیش از پیش عدالت در توزیع امکانات و منابع دولتی در سطح کشور، استان و شهرستان به این اعتماد سازی کمک میکند.

تعامل دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان با موسسه های خیریه را چطوری ارزیابی می کنید

مواضع و تعامل دانشگاه با موسسه هایخیریه و خیرین در جلب اعتماد و افزایش انگیزه خیرین سلامت بسیار مهم است. تکریم خیرین موضوع مهمی است که توجه بیش از پیش به آن ضروری است و می تواند منجر به تشویق ورود بیشتر خیرین به بخش سلامت گردد. همراهی و همکاری دانشگاه در اموری نظیر اخذ مجوز ورود و خرید تجهیزات سرمایه ای و پروانه های ساخت فضاهای فیزیکی در تسهیل و تسریع فرایندها و افزایش رضایتمندی خیرین بسیار موثر است. ارتقاء و شفاف سازی فرایند های بازگشت و هزینه کرد شفاف و به موقع مبالغی که از جانب خیرین به حساب مشارکتهای مردمی دانشگاه واریز می گردد (در محل خود و با توجه به نیت خیرین) ضروری است. لازم است در امور و پروژههای بزرگ، وظایف و تعهدات طرفین تبیین و مکتوب و در قالب تفاهم نامه های شفاف منعقد گردد تا بستر مناسب برای اجرای موازین قانونی فراهم گردد. در مجموع در خصوص عملکرد دانشگاه در قبال موسسات خیریه، ضروری است مدیریت محترم ارشد دانشگاه تدابیر لازم برای استقرار ساز و کاری برای انسجام بیشتر بین بخش های مختلف دخیل در موضوع، اتخاذ فرمایند.

آدرس دفتر موسسه و راه های ارتباطی با موسسه را می فرمایید

دامغان، بیمارستان ولایت، اقامتگاه بیمارستانی منوچهری دامغانی، طبقه فوقانی، موسسه خیریه بیمارستان ولایت دامغان
خیرین محترم و بیماران نیازمند میتوانند همه روزه در ایام شنبه الی چهارشنبه به آدرس فوق و یا واحد مددکاری بیمارستان ولایت (خانم سلطانی) مراجعه نمایند.

از حسن توجه مدیران و کارشناسان محترم حوزه امور اجتماعی و مدیریت روابط عمومی دانشگاه سپاسگزارم.

مصاحبه کننده: حبیبه سلطانی مددکار بیمارستان ولایت دامغان

ویرایش: فاطمه شهاب الدین کارشناس روابط عمومی دانشگاه



رد سرخ ماسک

مردی که تعطیلی کار و خدمت، سخت ترین دوران بیماری اش بود!



دوران پر فراز و نشیب مدیریت و مقابله با کرونا ویروس سراسر فداکاری و تلاش و خاطره بود، خواندن مجاهدت کادر بهداشت و درمان در این عرصه پر مخاطره خالی از لطف نیست. مصاحبه پیش رو با یکی دیگر از اعضای پرتلاش خانواده دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان، علی شاطری مسئول خدمات مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی کوثر می باشد که در ۱۵ شهریورماه سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

آقای شاطری لطفا خودتان را بیشتر معرفی بفرمایید:

بسم الله الرحمن الرحيم، علی شاطری هستم مسئول خدمات بیمارستان کوثر، حدودا از بیست و سوم اسفند ماه، از موقعی که کرونا شدت گرفت در بیمارستان کوثر کاملا مستقر شدیم و بخش آی سی یو کرونا در قسمت دیالیز سابق بیمارستان کوثر فعالیت داشت و بخش های دیگر هم تبدیل به بخش کرونا شدند. چیزی که بیشتر به ذهنم می رسد همکاری آقای ناظری پور است. شهید ناظری پور و آدم کاملا فعالی هم بود که خودش هم متأسفانه بیماری را گرفت و یک شب هم با من تماس گرفته بود و می گفت که به شدت تب و لرز دارد و قرص سرماخوردگی استفاده کرده است، چون هوا سرد بود فکر می کرد بخاطر سرما خوردگی است، ولی همان شب بستری شد. متأسفانه تقریبا ده، دوازده روز در آی سی یو کرونا بستری شد و سپس شهید شد.

آقای شاطری از روزهایی بفرمایید که تازه متوجه شدید که کرونا وارد کشور شده است، چه حس و حالی داشتید؟

تا زمانی که کاملا با کرونا ویروس روبه رو نشده بودیم این قدر این بیماری را نمی شناختیم، زمانی که خودم متوجه سختی این بیماری شدم که دیدم در آی سی یو کرونا فوتی داریم و متوجه شدم که همکاران برای حمل این درگذشتگان باید حتما لباس سفید محافظ را به تن کنند، ماسک N 95 بزنند اینها شدت قضیه را بیشتر برای ما ملموس کرد. و ما متوجه شدیم که واقعا چه

بیماری خطر ناکی است و با کسی هم رودربایستی ندارد یعنی پزشک، پرستار، بهکار و افراد عادی هم نمی شناسد. برای هر کسی شاید این اتفاق بیافتد. افرادی که لباس محافظ می پوشند کارشان سخت تر هم می شود، صحبت کردن سخت می شود و باید با صدای بلند حرف بزنند و به راحتی نمی توانند از بخش بیرون بیایند و یک شیفت کامل را در بخش می مانند. من یا آقای نوروزی (جانشین مسئول خدمات بیمارستان) بنابر کارهایی که انجام می دادیم از لباس محافظ استفاده می کردیم و به همکاران سر می زدیم ببینیم چه چیزی نیاز دارند. خب ما هم نگران می شدیم که مبادا ناقل باشیم بنابراین من در خانه هم اتاقم را جدا کرده بودم تا برخورد کمتری با اعضای خانواده داشته باشم و حتی غذا هم جدا از خانواده می خوردم. البته من هم درگیر بیماری شدم ولی شدت آن زیاد نبود و خدا را شکر رفع شد.

از روزهایی که خودتان درگیر بیماری شدید بفرمایید.

با یکی از همکاران هماهنگ کردیم و رفتیم مرکز بهداشت آزمایش دادیم چون احساس بدن درد داشتم، ولی فکر می کردم بخاطر فعالیت بدنی و اسباب کنشی اینطور شده ام. جواب آزمایش من مثبت شد و مجبور شدم در خانه بمانم که این سخت ترین بخش دوران بیماری من بود! چون من عادت داشتم همیشه فعال باشم و کار کنم. در این پنج روز استرس داشتم که قرار است چه اتفاقی بیافتد؛ تب کنم، سرفه کنم، حالا ریه هایم درگیر شود، این که شکر خدا به خیر گذشت و آن قدر شدت نداشت و شکر خدا خوبم.

فشار کاری در دوران کرونا چطور بود و چطور آن را مدیریت می کردید؟

با توجه به اینکه بیمارستان کوثر شده بود مرکز پذیرش بیماران کرونا و خب فشار کاری بیشتر شده بود، حجم کاری زیادی بر روی بچه های بهکار بود، البته تمامی همکاران حجم کاری زیادی را تحمل می کردند اما همکاران بهکار ما واقعا با دل و جان در آن شرایط خدمت می کردند. کار بسیار سختی هم که انجام شد جابجایی های بیمارستان کوثر بود، مثلا بخش جراحی و اتاق عمل به بیمارستان امیر المومنین (ع)، منتقل شد و بعد از چند ماه دوباره برگشت و جابجایی بخش دیالیز و روان. این جابجایی ها سخت بود و بیشتر از همه نگران این بودیم که به تجهیزات مان صدمه وارد نشود. تنها چیزی که الان سخت هست رفت و آمد به قسمت کرونا است که با بیمارستان فاصله دارد و برای همکاران سخت است. رساندن تجهیزات مورد نیاز همکاران بخش کرونا را و خارج کردن وسایل و ملحفه و لباسهایی که باید ضد عفونی و تمیز شوند همه و همه کارهایی است که در طول روز انجام می شود و همکاران تمام تلاششان را می کنند و همکارانمان در بخش کرونا خدا را شکر از فعالیت همکاران بهکار راضی هستند. یکی از همکاران بنام آقای میرکمالی، همکاری عالی داشتند، حتی ماشین خراب شده بود با وسیله شخصی

خودش، کار جابجایی را انجام می داد. خیلی از همکاران دیگر هم همین کار را کردند. همین طور آقای نوروزی که سپاسگزار همراهی همیشگی ایشان هستم و در سخت ترین شرایط فعال و همراه بودند.

خانواده چطور از شما حمایت می کردند تا در این شرایط سخت کار کنید؟

خانواده من چون با شرایط کاری من قبلا آشنا بودن که من صبح از خانه بیرون می آمدم و تقریباً هشت و نیم، نه شب از سرکار بر می گشتم، الان با اینکه حضورم در محیط کار بیشتر شده بندگان خدا اعتراضی نمی کنند، البته خب الان بخاطر شرایط کرونا نگران هستند. فقط تنها چیزی که هر روز به من می گویند این است که احتیاط کنیم.

این جابجایی هایی که در بیمارستان اتفاق افتاد و همین طور باید بخش کرونا هم پشتیبانی می شد و تجهیزات و غیره فراهم می شد که وقفه ناپذیر بود. چطور این کارها با هماهنگی پیش رفت؟

همکاران خیلی کمک کردند، خب بابت بخش جراحی آقای علی بابائی با بسیج هماهنگ کردند، نیروهای بسیج آمدند برای کمک. در بیمارستان کوثر هم که بخش آی سی یو کرونا را می خواستند انتقال بدهند، همکاران بیمارستان واقعا تلاش کردند که جای تقدیر و تشکر دارد. ما شیفت ها را تعطیل نکردیم و به بچه ها برنامه دادیم، سعی کردیم کار با دقت و هماهنگی پیش برود و خب البته جابجایی تجهیزات بسیار سخت بود. آقای دکتر معماریان هم از همه بچه ها قدردانی و تشکر کرد.

همکاری بقیه ارگان ها را با حوزه خودتان چطور دیدید؟

همکاری سپاه و بسیج در جابجایی فوق العاده بود با خودروهایی که آورده بودند، با افرادی که آمده بودند خیلی کاربردی بود. از حوزه ی علمیه و بچه های جهادگر بابت بخش کرونا و آی سی یو کرونا و حتی سلف سرویس و آب میوه هایی که می گرفتند و می آوردند و خودشان توزیع می کردند و جهادگرهایی بودند که با همسرشان آمده بودند، مثلاً خانم ها می رفتند در بخش خانم ها کمک می کردند، از غذا دادن تا استحمام کردن بیمارانشان کمک می کردند یعنی واقعا برای ما یک همراه بودند، الان هم هستند، واقعا زحمت می کشند، به هر نوعی که شده کمک می کنند.

سخن پایانی...

انشاءالله موفق باشید، پایدار و همیشه همراه باشید. من هم از زحمات همکاران در روابط عمومی بسیار سپاسگزارم در طول این مدت خیلی زحمت کشیدید، شرمندۀ کردید واقعا شرایطی را در بیمارستان بوجود آوردید که دوستان همه آرامش داشته باشند.

مصاحبه و ویرایش کننده: مارال صمصامی- کارشناس روابط عمومی دانشگاه

پیاده کننده: سکینه عبدالحی



مطالب آموزشی

نان قوت غالب



نان به عنوان قوت غالب جایگاه برجسته ای در سفره ایرانیان دارد. عموم مردم در گروه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بخش عمده انرژی روزانه خود را از این غذا دریافت می کنند. از این رو ارتقاء سطح آگاهی جامعه نقش موثری در استفاده مناسب تر و پیش گیری از ضایعات این نعمت الهی دارد.

توصیه های تغذیه ای مصرف نان:

* سبوس به دلیل داشتن فیبر غذایی مناسب، در پیش گیری و کنترل بیماری های گوارشی به خصوص سرطان روده و بیماری های غیر واگیر و مزمن نظیر دیابت، پرفشاری خون و چربی خون بالا و... نقش موثری دارد.

* سبوس، موجب رانش مدفوع در طول روده بزرگ شده و تحرکات موجی شکل روده ها را تقویت می کند و در نهایت ملین و برطرف کننده یبوست می باشد.

* مصرف نان سبوس دار در کنترل وزن و پیش گیری از چاقی موثر است.

* سبوس گندم منبع غنی از مواد معدنی مهم شامل منگنز، منیزیم، سلنیم، فسفر، آهن، پتاسیم و روی و هم چنین منبع مهم ویتامین های گروه B بخصوص B₁ است که می تواند بخشی از نیاز روزانه افراد را به این مواد مغذی را تامین کند.

* نان های با رنگ تیره تر به علت دارا بودن سبوس بیشتر از ارزش تغذیه ای بالاتری در مقایسه با انواع سفید نان برخوردارند.

* مصرف نان شور و پرنمک یکی از عوامل بروز فشارخون بالا می باشد. با انتخاب انواع کم نمک نان می توان به کنترل فشارخون کمک کرد.

چند توصیه برای نگهداری و مصرف نان:

* به نان تازه و داغ کمی فرصت بدهید تا خنک شود زیرا حرارت نان باعث کپک زدگی زودرس آن می گردد.

* قبل از سرد شدن کامل نان ها، آنها را دسته نکنید. پس از خنک شدن نان ها را در پارچه یا کیسه نایلونی قرار داده و به منزل ببرید.

* هرگز برای حمل نان از روزنامه استفاده نکنید.

* قرار دادن نان در یخچال، فرآیند بیات شدن آن را تسریع می کند. بهترین دمای نگهداری نان، دمای انجماد و درجه حرارت فریزر می باشد.

* خرید نان مازاد بر نیاز روزانه از علل مهم افزایش ضایعات نان است. لذا توصیه می شود از خرید نان اضافی خودداری گردد.

* سوختگی و برشتگی بیش از حد نان، موجب ایجاد ترکیبات سمی در نان می شود و سلامت مصرف کننده را به خطر می اندازد.

* مصرف نان های حاوی جوش شیرین منجر به کاهش جذب کلسیم، فسفر، آهن و روی می شود و اختلالات گوارشی و پوکی استخوان را موجب می گردد.

فرهنگ بیمارستانی (۱)

بایدها و نبایدهای بیمار، همراه بیمار و مراجعین

اولویت پذیرش:

ایمنی و کیفیت مراقبت از بیماران در اولویت کادر درمان است به همین منظور بیماران در اورژانس بر اساس اولویت، پذیرش می شوند.

شرح حال:

پزشکان بر اساس شرح حالی که بیمار به آنها می دهد دید کلی نسبت به شرایط پیدا می کنند، پس اطلاعات درستی به پزشک بدهیم و شرایطمان را آن طور که هست بیان کنیم.

اولویت بندی:

مشکلات خود را بر اساس اولویت با پزشک خود مطرح کنید و در صورت امکان آن را یادداشت کنید تا فراموش نکنید. سوالات بیهوده از پزشکان و پرستاران نپرسید و در روند درمان دخالت نکنید.

سابقه پزشکی:

سابقه پزشکی و درمانهای مهمی که قبلا دریافت کرده اید را با پزشکتان درمیان بگذارید.

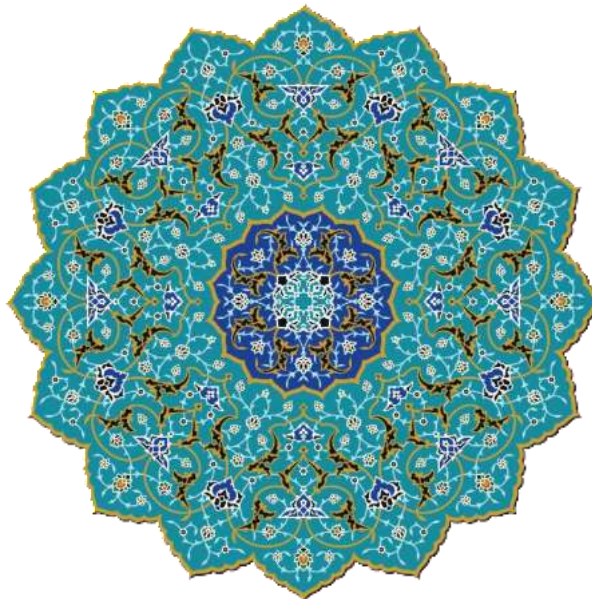


دقت در پاسخ:

به سوالات پزشک و پرستارتان خوب گوش دهید و سپس پاسخ دهید.

گردآوری و ترجمه: مارال صمصامی- کارشناس روابط عمومی

ادامه دارد...





آیا می‌دانید در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت برای حمایت از ترویج زایمان طبیعی، امکان زایمان طبیعی در بیمارستان‌های دولتی برای همه افراد به صورت کاملاً رایگان در نظر گرفته شده است؟



مديریت روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه

